این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

در خانه همفکری کنیم

علامه مصباح یزدی(ره):
یکی از اصول حاکم بر خانواده، اصل مشاوره است. طبیعی است که زن و مرد خواسته‌ها و نظریه‌های مخصوص به خود را داشته و اینها با هم متعارض باشند، اما در بسیاری موارد، همسران می‌توانند با همفکری و مشورت، خواسته‌ها و نظریات خود را هماهنگ کنند و از تعارض آنها بکاهند. بهترین راه‌حل اختلاف‌های خانوادگی، این است که زن و شوهر همفکری صمیمانه و همدلی داشته، خیرخواه یکدیگر باشند، یکدیگر را درک کنند و درباره دلیل‌ها و نظریات یکدیگر بیندیشند، هوس‌ها و خودخواهی‌ها را کنار گذارند و هر دو به حکم عقل گردن نهند.
منبع: کانال تلگرامی «MESBAHYAZDI.IR» به استناد کتاب «اخلاق در قرآن»، جلد ۳، صفحه ۷۹

وقتی حال خوبی داری عاقبت بخیری‌ات را بطلب

صفحه توئیتر طوبای محبت بخشی از سخنان میرزا اسماعیل دولابی را به اشتراک گذاشت. این عارف بالله فرموده‌اند: می‌گویند خداوند داستان ابلیس را تعریف کرد تا بدانی که نمی‌شود به عبادتت، به تقربت، به جایگاهت اطمینان کنی؛ خدا هیچ تعهدی برای آن‌که تو همان که هستی بمانی، نداده است؛ شاید به همین دلیل است که سفارش شده وقتی حال خوبی داری، عاقبت بخیری‌ات را بطلبی.

حلقه وصل دنیای شرق به اروپا

سبحان برکتی در توئیتی نوشت: کریدور شمال - جنوب مسیر جایگزین کانال سوئز و حلقه وصل دنیای شرق به اروپا... این مسیر که مورد تأکید ایران، روسیه، هند و پکن است، حتی می‌تواند کمربندی تجاری چین را پویاتر کند. این مسیر آبی - ریلی نسبت به کانال سوئز، ۴۰درصد از مسافت و ۳۰درصد از هزینه حمل و نقل را کاهش می‌دهد.

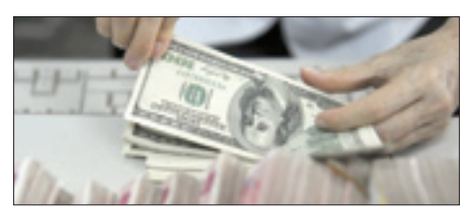

ضرورت تدبیر برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی

مهدی قاسم‌زاده در توئیتی نوشت: قطعاً ارز ۴۲۰۰ تومانی نتوانسته به هدفش (ثبات قیمت) دست یابد اما اگر دولت و مجلس قصد دارند (به‌جای اصلاح روند تخصیص و افزایش نظارت) آن را حذف کنند، بهتر است از هم اکنون فکری برای کنترل تورم انتظاری آن و جبران قدرت خرید مردم کنند وگرنه رانتخواران به‌نحوی دیگر این طرح را نیز بر زمین خواهند زد!

تصویر منتخب

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به افت ادامه‌دار ارزش پول ملی ترکیه

آیا ترکیه هم مشکل تحریم دارد؟!

با تداوم افت ارزش پول ملی ترکیه کاربران شبکه‌های اجتماعی به گمانه‌زنی در خصوص چرایی این اتفاق و پیامدهای آن پرداختند. لیر ترکیه در چند ماه گذشته ریزش‌های بی‌سابقه‌ای داشته و در روزهای اخیر یک دلار امریکا در ترکیه به مرز ۱۸ لیر نزدیک شده است. این مسئله با اعتراضات شهروندان ترک نیز همراه بود. کاهش پول ترکیه در مناسبات بین‌المللی آن نیز تأثیرات جدی خواهد داشت. حتی برخی خبرگزاری‌ها از غارت فروشگاه‌های شهرهای مرزی ترکیه توسط بلغارستانی‌ها بعد از افت شدید ارزش لیر خبر دادند. کاربران شبکه‌های اجتماعی این سؤال را مطرح کردند که چرا ترکیه با وجود آنکه تحریم نیست باز هم پول ملی‌اش دچار تنش است؟ برخی کارشناسان نیز در توئیت‌هایی به تحلیل مسئله پرداختند. گروهی افت لیر را از سوی شخص اردوغان می‌دانند و گروهی آن را حاصل سیاست‌های اردوغان. در ادامه بخش‌هایی از این واکنش‌ها مرور شده است.

■ **محمدرضا صدیقی:**
ارزش لیر ترکیه کعبه آمال و مدل توسعه شبه لیبرال‌ها چرا داره سقوط میکنه؟ سیاست تنش‌زایی داره؟ تحت تحریمه؟ اهل تعامل با جهان نیست؟ با اسرائیل شریک تجاری نیست؟ با امریکا سرشاخ شده؟ یا چی؟

■ **مصطفی سیستانی:**
سقوط آزاد ادامه‌دار لیر ترکیه! یک‌سال پیش نسبت دلار به لیر هشت بود امروز این نسبت به ۱۵ رسیده است! روند اشتباه اقتصادی بالاخره اثر می‌گذارد فقط نیاز به جرقه دارد! در ایران جرقه تحریم است در ترکیه چیز دیگر، ولی اصل روند اشتباه اقتصاد است! رفع تحریم برای ایران، مسکن است!

■ **عبدالرحیم انصاری:**
ارزش پول ملی ترکیه هر روز سقوط می‌کند و تورم کمر اقتصاد این کشور را شکسته؛ این درحالی است که ترکیه تحریم نیست، با امریکا و اروپا رابطه نزدیک دارد، عضوی از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و بایدن دفاع از این کشور را «وظیفه مقدس» امریکا دانسته بود. ایراد دقیقاً کجاست؟!

■ **علیرضا زادبر:**
اخبار اقتصادی و سقوط ارزش لیر ترکیه را دنبال کنید. بدهی خارجی ترکیه به عدد ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده و از عوامل اصلی سقوط ارزش پول ملی این کشور است. همان مدل ناقص توسعه که در واقع شبه توسعه است. ایرانیانی که در این سال‌ها در ترکیه مِلک خریده‌اند با این سقوط متضرر شدند و این روند ادامه دارد.

■ **رحمان قهرمان‌پور:**
اپوزیسیون ترکیه می‌خواهد اقتصاد را اصلی‌ترین موضوع کمپین انتخاباتی خود کند و حول آن ائتلاف نه به اردوغان تشکیل دهد، اما این استراتژی ریسک بالایی دارد. فعلاً کاهش ارزش لیر به نفع این استراتژی است اما پاشنه آشیل اپوزیسیون در آن است که فقط وضع موجود را نفی می‌کند اما راهکار ندارد.

■ **خضر خلیلی:**
کاهش ۷۰درصدی ارزش لیرِ در سه ماه هیچ منطق اقتصادی ندارد و احتمالاً عامدانه به‌وسیله دولت ترکیه اعمال می‌شود. زیاده‌خواهی و نارفیقی‌های اردوغان تلخ است، ولی این اقدامی هوشمندانه در مسیر افزایش شدید صادرات و فروش املاک در ترکیه و هجوم توریسم به آنجاست. اقتصاد ترکیه ظرفیت لازم را دارد.

■ **علی‌خان امین‌الدوله:**
از افت ارزش لیر خوشحال نیستم، از جهاتی به ضرر ماست و از جهاتی میتونه به سود ما باشه، اما از ضایع شدن ترکیه گراها خوشحالم، خصوصاً اونایی که نسخه اقتصاد ترکیه‌ای رو برای ما می‌پیچند!

اهداف و انگیزه‌های سفر منطقه‌ای بن‌سلمان

حمید خوش‌آیند طی یادداشتی به تحلیل سفرهای منطقه‌ای بن‌سلمان پرداخت. بخش‌هایی از یادداشت او در ادامه آمده است:
سفر منطقه‌ای محمدبن‌سلمان به پنج کشور عمان، بحرین، امارات، کویت و قطر (اعضای شورای همکاری خلیج فارس) مهم‌ترین تحرک سیاسی، اقتصادی و امنیتی ولیعهد سعودی در واپسین روزهای سال ۲۰۲۱ میلادی به شمار می‌رود و به‌عنوان اقدامی برای ترمیم جایگاه شکننده سعودی‌ها در مناسبات منطقه و جهان تفسیر می‌شود.
شرایط «ناپایدار» و «نامطلوبی» که عربستان در منطقه با آن مواجه شده، متأثر از عوامل متعددی است که بخش مهمی از آن ناشی از سیاست‌ها و اقدامات جاه‌طلبانه‌ای است که بن‌سلمان از زمان تصدی وزارت دفاع عربستان در سال ۲۰۱۵ و انتصاب به ولیعهدی این کشور در سال ۲۰۱۷ اتخاذ کرده است.
تداوم جنگ یمن، حمایت از جریان‌های بحران‌آفرین و ناامن‌ساز در برخی کشورهای عربی و رقیب، دامن زدن به خشونت‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی در منطقه، سرکوب و بازداشت بسیاری از روشنفکران، نویسندگان، فعالان مذهبی، سیاسی و مدافعان حقوق بشر در داخل عربستان، سرکوب شاهزادگانی که مخالف ولیعهدی بن‌سلمان بودند و نیز فرار از مجازات و پاسخگویی در قبال قتل خاشقچی از جمله اقدامات و موضوعاتی است که نه تنها باعث بدنامی و شکنندگی جایگاه شخص بن‌سلمان شده است، بلکه به انزوای سیاسی عربستان در خارج از کشور انجامیده و موقعیت و جایگاه این کشور در منطقه و جهان را متزلزل ساخته است.
ولیعهد عربستان که در حقیقت حاکم «بالقوه» و «دوفاکتوی» این کشور نیز محسوب می‌شود به‌دنبال ارتقای سطح نقش‌آفرینی خود در منطقه از طریق بهبود چهره سیاسی مخدوش شده‌اش و رفع اختلافات ژئوپلتیک و تحکیم مناسبات خارجی با متحدان عربی عربستان سعودی است که در سال‌های اخیر با تعدادی از آنها از جمله قطر و امارات پرتنش و واگرا شده است.
عربستان سعودی طی یک سال اخیر این موضوع را به‌وضوح لمس کرده است که نباید به هم‌پیمانی با امریکا امید چندانی داشته باشد. دربار سعودی و شخص بن‌سلمان به‌خوبی متوجه شده‌اند در چالش‌های منطقه‌ای، امریکا شریک مورد اعتمادی نیست و همان‌طور که در یک سال اخیر نیز نشان داده، نمی‌توان روی کاخ سفید حساب باز نمود. این مسئله فقط به‌روی کار آمدن بایدن و دولت دموکرات در امریکا نیز مربوط نیست، بلکه ناشی از فرآیندها و روندهای سیاستگذاری در ایالات متحده است که به کشورهای عربی و به‌خصوص عربستان سعودی نگاه منفعت‌طلبانه دارد؛ چیزی که ترامپ، رئیس‌جمهور سابق امریکا با زبان ساده و عامیانه آن را به «گاو شیرده» تعبیر کرد!
بن‌سلمان که متولی اصلی پیگیری ابتکار چشم‌انداز ۲۰۳۰ و پروژه ۵۰۰ میلیارد دلاری نئوم است، می‌داند که این چشم‌انداز بدون مشارکت و همراهی کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس به سرانجام مطلوب و مورد انتظار نمی‌رسد. علاوه بر این، دربار سعودی با علم به‌اینکه کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از وحدت مواضع و هماهنگی در اتخاذ تدابیر لازم فاصله گرفته‌اند، به دنبال تقویت سازوکارهایی برای ارتقای هم‌افزایی، هماهنگی و اتفاق نظر پیرامون موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی است.
افزون بر این، همزمانی تور منطقه‌ای بن سلمان با عملیات بزرگ راهبردی انصارالله برای آزادسازی مأرب که این کشور را در یک تنگنای شدید میدانی، نظامی، سیاسی و استراتژیکی قرار داده است، این تلقی را به‌وجود آورده که ریاض دست به دامن شرکای خود در شورای همکاری خلیج فارس شده تا راه‌حلی جامع و کم‌هزینه برای خروج از وضعیت دشوار خود در یمن پیدا کند. البته عربستان در روزهای گذشته طرحی از پیش شکست‌خورده را هم برای پایان جنگ یمن ارائه داده که مبنای آن تثبیت دولت منصور هادی در یمن و پذیرش آن توسط طرفین است. ریاض برای اجرای این طرح به همراهی کشورهای عربی به‌ویژه امارات و قطر نیاز دارد.
موضوع ایران از دیگر انگیزه‌های اصلی سفر منطقه‌ای ولیعهد عربستان است که در بحبوحه مذاکرات برجامی ایران با ۱+۴ انجام شده است. ولیعهد سعودی درصدد برآمد از لابی این کشورها در امریکا و اروپا برای اثرگذاری بر مذاکرات وین و همچنین گنجاندن احتمالی موضوعات منطقه‌ای و موشکی در گفت‌وگوها بهره‌های لازم را ببرد. تنبیه لبنان و مقابله با حزب‌الله از طریق رایزنی مستقیم با اعضای شورای همکاری خلیج فارس، هدف دیگر بن‌سلمان از سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس بود؛ به‌ویژه اینکه ریاض در ماه‌های گذشته این موضوع را متوجه شده بود که بخش مهمی از پرونده جنگ یمن توسط حزب‌الله مدیریت می‌شود. ضمن این‌که کینه‌ای هم که بن‌سلمان از قرداحی وزیر اطلاع‌رسانی لبنان به دل دارد از بین نرفته است، چراکه قرداحی اخیراً با محکوم کردن اقدامات عربستان در جنگ یمن، روی نقطه حساسی دست گذاشت و به‌نوعی ضربه روانی سنگینی به عربستان وارد کرد.
در این سفر همچنین قراردادهای دوجانبه‌ای نیز بین عربستان با برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در حوزه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و... منعقد شد که در چارچوب مناسبات دوجانبه حائز اهمیت بوده و جزو اهداف حاشیه‌ای سفر منطقه‌ای بن‌سلمان محسوب می‌شود.

الگویی کامل از یک سفیر فرهنگی جمهوری اسلامی

جواد تاجیک در توئیتی نوشت: در ۲۳ سالگی رایزن فرهنگی ایران در پاکستان شد. رزمنده جبهه‌ها و فاتح دل‌های مردم لاهور، قبل از مراسم تودیع باشکوهش، در ۲۸ آذر ۶۹ جلوی هتل اینترنشنال لاهور ترور شد. اقداماتش در جهت بیداری اسلامی و وحدت شیعه و سنی، الگوی کاملی از یک سفیر فرهنگی جمهوری اسلامی است. شهید #صادق_گنجی

چرا با افزایش بی‌رویه سگ‌های ولگرد مواجهیم؟!

آسیه سعیدیان توئیت کرد: افزایش بی‌رویه سگ‌های ولگرد در ایران از مرز خطر رد شده و به نقطه فاجعه رسیده. عامل این امر غذادهی و امدادرسانی حامیان به اصطلاح حیوانات و ناآگاهی عمیق و احساسی برخورد کردن مردم و نداشتن قوانین درست در این زمینه است.

شخصیت پلتفرم‌های اجتماعی

کانال تلگرامی «ژئوپلتیک رسانه» به نقل از «axios» نوشت: اقتصاد تولید محتوا، هزاران کارآفرین در رسانه‌های اجتماعی به‌وجود آورده که هر کدام دارای مخاطبان فراوان میلیونی هستند و این تعداد، بیشتر از بسیاری شرکت‌های رسانه‌ای است. آنچه پلتفرم‌های اجتماعی را متمایز می‌کند، ویژگی‌های آنها نیست، بلکه ارزش‌ها و جوامع آنهاست. عاملی که باعث محبوبیت و مطرح شدن کسی در یک پلتفرم شده، ضامن موفق بودن او در دیگر رسانه‌های اجتماعی نیست. به‌عنوان مثال: مستربین، یک شخصیت تخیلی کمدی انگلیسی، چهارمین صفحه محبوب در فیس‌بوک با ۱۲۹ میلیون دنبال کننده است، درحالی که او فقط ۲۱۵۰۰۰ دنبال کننده در توئیتر دارد. بر اساس بررسی ۵۰ اکانت با بیشترین کاربر و دنبال کننده در هر پلتفرم توسط Axios، شخصیت هر پلتفرم شناسایی شد:
تیک تاک: بر اساس سیاست کاری خود به جای شرکت‌های بزرگ تولیدکننده سرگرمی، از کاربرانی که به صورت انفرادی در این پلتفرم فعالیت می‌کنند حمایت می‌کند.
یوتیوب: اکانت‌های برتر موسیقی و سرگرمی‌های بزرگ در این پلتفرم فعالیت دارند که اغلب بین‌المللی هستند.
فیس بوک: کاربران را تشویق می‌کند تا هر نوع صفحه‌ای را لایک کنند، خواه محتوا تولید کند یا نه. چهار اکانت از بین ۲۱ اکانت برتر فیس‌بوک متعلق به سازمان‌های خبری چین است، درحالی که حساب‌های چینی در فهرست ۵۰ برتر هیچ‌یک از پلتفرم‌های دیگر دیده نمی‌شوند.
اینستاگرام: جایی برای دیده شدن در اندازه یک فرد مطرح و مشهور است. در اینستاگرام فرصتی برای نشان دادن سبک زندگی و سلیقه اشخاص وجود دارد. تعداد دنبال کننده در اینستاگرام از هر پلتفرم دیگری بیشتر است.
توئیتر: این پلتفرم تا حدی شبیه به اینستاگرام است با این تفاوت که افراد به خاطر ایده‌هایشان شناخته می‌شوند. توئیتر تنها پلتفرمی است که سیاستمداران و رهبران تجاری بیشترین فعالیت را در آن دارند.
شِمای کلی: با اینکه این پلتفرم‌ها در برخی موارد با هم همپوشانی دارند اما در عملکرد بسیار متَفاوت هستند. بازیگران و ستارگان ورزشی در فیس‌بوک و اینستاگرام می‌درخشند و موسیقیدانان به‌طور طبیعی در یوتیوب و تیک‌تاک بهتر عمل می‌کنند. به‌طور کلی، بررسی ۵۰ اکانت برتر در پنج پلتفرم مشخص کرد نزدیک به نیمی از اکانت‌ها (۱۲۳ مورد) از امریکا بودند. بعد از آن هند با ۲۹، انگلیس با ۱۲، کره‌جنوبی با ۹ و کانادا و اسپانیا هر کدام با هشت اکانت در رده‌های بعدی قرار داشتند.

تغییر سفیدی پلک انسان‌ها در اثر چیست؟

کانال تلگرامی «Modern Cogitation» نوشت: اسکلرا یا سفیدی چشم انسان بر خلاف دیگر پریمات‌ها در طول تکامل از رنگ تیره به رنگ سفید تغییر پیدا کرده است علت این تغییر رنگ، نمایان شدن gaze یا جهت نگاه است. این جهت نگاه در دیگر پریمات‌ها مانند شامپانزه به‌علت رنگ تیره اسکرا مخفی است. کاربرد یا مزیت فرگشتی این نمایان شدن gaze در انتقال اطلاعات حتی قبل از پیدایش زبان بوده و هست. ایجاد و ترجمه این اطلاعات نیاز به نئوکورتکسی قوی‌تر دارد که در پریمات‌ها وجود نداشته و به‌تدریج جهت‌های لایت کردن این نشانه، شکاف پلکی از حالت دایره‌ای و گرد، به شکل بادام افقی درآمده است.

هنر به چه دردی می‌خورد؟

دکتر بابک عباسی، مدیر پروژه مجموعه کتاب «خوب زیستن» با انتشار بخش‌هایی از کتاب جدید این مجموعه از رونمایی کتاب «هنر» خبر داد. در گزیده دکتر عباسی از متن کتاب می‌خوانیم: در پاسخ به این پرسش که هنر به چه دردی می‌خورد، جوابی دیرینه و تحقیرآمیز وجود دارد: هنر به هیچ دردی نمی‌خورد؛ هنر برای خود هنر است. طرفداری از این پاسخ به میانه قرن نوزدهم بازمی‌گردد؛ به عصر شکوفایی صنعت و پیشرفت علمی. آنانی که مشتاق حمله به هنر و ارزش‌های آن بودند، می‌پرسیدند هنر تا آن زمان واقعاً چه دستاوردی داشته است. آیا نقاش می‌تواند راه‌آهن بسازد؟ آیا شاعر می‌تواند نان بپزد؟
این رویکرد سوءتفاهمی غم‌انگیز درخصوص کاری است که هنرمندان می‌توانند برای ما انجام دهند. برای اینکه ما انسان‌ها به‌سوی زندگی خوب هدایت شویم، فقط به لامپ برق و خط تلفن و سهام بورس احتیاج نداریم، بلکه نیاز داریم هنگام اندوه تسلی یابیم، برای رسیدن به حکمت هدایت شویم، فرصتی برای خودشناسی به دست آوریم، به وقت دلواپسی آرام شویم، امیدهایی تازه پیدا کنیم و افق‌هایی گسترده‌تر پیش چشمانمان گشوده شود؛ یعنی تمام کارهایی که برای انجام آنها ابزاری کارآمد به نام هنر وجود دارد.

تغییر تئوری و سازمان تهدید رژیم صهیونیستی در برابر ایران

مهدی محمدی در کانال تلگرامی خود نوشت: تئوری و سازمان تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران تا حدی تغییر کرده است. در مدل جدید تهدید، اجتناب از جنگ گسترده، تبدیل امریکا به شریک عملیاتی، ایجاد یک زیرساخت منطقه‌ای تهدید با مشارکت اعراب و برخی دیگر از همسایگان ایران و توسعه عملیات‌های اطلاعات پایه، اجزای اصلی است. مدل جدید تهدید نه ناشی از اعتمادبه‌نفس رژیم صهیونیستی، بلکه در اصل نشئت گرفته از تلاش آن برای احیای بازدارندگی از دست رفته است. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند هزینه ضربات آتی را بسیار زیاد جلوه دهد تا خروج امریکا از منطقه، تبدیل به نقطه آغاز ضربه‌پذیری و سرعت گرفتن روند زوال آن نباشد.
عملیات‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی علیه ایران در سال‌های گذشته بیشتر به‌عنوان بخشی از یک رژیم پروپاگاندا عمل کرده تا اینکه واقعاً ارزش راهبردی داشته باشد. در واقع این عملیات‌ها بیش از آنکه موفقیت‌هایی تاکتیکی باشد، شکست‌هایی راهبردی بوده است. عملیات‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران، علی‌الارض، سرعت آن را بیشتر و حفاظت کالبدی و اطلاعاتی آن را مستحکم‌تر کرده است. هر تأسیساتی که ضربه خورده، امن‌تر و دسترسی به آن دشوارتر شده است. سرعت برنامه نیز بسیاری از معادلات امنیتی را جابه‌جا کرده. رژیم صهیونیستی هزینه کرده ولی جواب معکوس گرفته است.
بگذریم که رژیم صهیونیستی در ابعاد کاملاً راهبردی هزینه پرداخته است. ناآرامی‌های سراسری از جمله در مناطق ۴۸، جنگی که دولت ریشه‌دار نتانیاهو را ساقط کرد و خسارت‌های عمیق به تأسیسات حساس موشکی و هسته‌ای رژیم، بخش آشکار ماجراست. ابعاد دیگرش را رسانه‌های منطقه در قالب شنیده‌ها درز داده‌اند. مشخصاً درباره برجام، رژیم صهیونیستی موافق احیای توافق است به این شرط که اولاً منجر به کاهش تحریم‌ها و گشایش اقتصادی برای ایران نشود، ثانیاً مقدمه‌ای برای فشار بر برنامه موشکی و منطقه‌ای ایران باشد و ثالثاً دست آن را برای اقدام علیه ایران نبندد. امریکا مخالفتی با این شروط ندارد. اکنون و در میانه مذاکرات، امریکا نیازمند تشدید تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران است تا یک توافق بد را تنها گزینه جلوه بدهد، رژیم صهیونیستی هم متمایل به تشدید تنش است تا قدرت چانه‌زنی امریکا را بالا ببرد، هزینه عدم توافق را زیاد و همزمان از امتیازدهی در حوزه تحریم به ایران جلوگیری کند. رژیم صهیونیستی در هر اقدامی با امریکا هماهنگ است.
در گذشته چنین بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود. امریکا نمی‌تواند از پذیرش مسئولیت اقدامات رژیم شانه خالی کند. رژیم صهیونیستی هم کاری که بازی امریکا را به هم بزند انجام نخواهد داد. متحدان رژیم صهیونیستی باید درک کنند که جبهه مشترک، هزینه مشترک دارد. توافق، اولین قربانی شروع فاز جدید تنش خواهد بود. اگر بایدن این‌طور محاسبه کرده که ایران تحت فشار، امتیاز راهبردی می‌دهد؛ یعنی از دوره ترامپ هیچ نیاموخته. پیام تنش جدید این است که توافق مقدمه فشار است و در این صورت توافق برای ایران، هیچ ارزشی نخواهد داشت. محاسبه غلط خطرناک است.